

بررسی آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی سکونتگاه‌های تجمعی (آپارتمان)

جمیله بابائی سیاهکلرود

کارشناس فرهنگی و اجتماعی، شهرداری مهربان، سراب، ایران
zahra.babae23@yahoo.com

چکیده

افزایش سریع جمعیت شهرنشین و گسترش افقی شهرها در مناطق پیرامون، بسیاری از جوامع را بر آن داشته که توجه به مسکن را به‌عنوان یکی از الویت‌های مهم برنامه‌های توسعه خود قرار دهند. به دنبال این پدیده، بلند مرتبه سازی و آپارتمان نشینی نیز تقریباً بعد از انقلاب صنعتی که افزایش شتابان جمعیت شهری را دنبال داشت، مطرح گردید. در کشور ما نیز افزایش سریع جمعیت شهرها و گسترش شهرنشینی طی دهه‌های اخیر و افزایش تقاضا برای مسکن، از یکسو، کمبود زمین و بالا بودن قیمت آن از سوی دیگر، مردم را به سوی زندگی آپارتمانی سوق داده و می‌دهد. توسعه نامتوازن و بدون برنامه و در نتیجه آسیب‌زای فرآیند آپارتمان‌نشینی، مشکلات رفتاری، تعاملی و فرهنگی و اجتماعی از مشخصه‌های شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی در شهرها محسوب می‌شوند. در این پژوهش به آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی که زندگی آپارتمانی به دنبال خواهد داشت، پرداخته‌ایم.

واژه‌های کلیدی: آپارتمان‌نشینی، آسیب فرهنگی، آسیب روانی، آسیب روانی.

مقدمه و بیان مسئله

از میان تحولاتی که در دو دهه‌ی اخیر در ایران به خصوص در کلانشهرها روی داده، تحولات و تغییرات شهری و پیامدهای آن به خصوص تغییر نوع مسکن - از ویلایی یا تک واحدی به آپارتمانی - فرآیندی برجسته‌تر، نمایان‌تر و با اهمیت‌تر داشته است، چرا که برای زندگی روزمره و گذران عمر، مسکن یکی از نیازهای اولیه و اساسی انسان است. به خصوص در شهرها، مسکن سرپناهی است که آدمی در آن احساس آرامش و امنیت می‌کند و یکی از اساسی‌ترین نیازهای زیستی‌اش برآورده می‌شود. همچنین مسکن تنها یک پناهگاه - یعنی بخشی از سلسله نیازهای مورد اشاره‌ی مازلو- نیست، بلکه نمادی از احساس فرهنگی ما از خود نیز است (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰).

با گسترش شهرها، معضلات و مشکلات شهری نیز گسترش یافت. ساختمان‌های بلند از پدیده‌های فناوری قرن بیستم است که در آن سوی جهان با فرهنگ خاص خود پایه‌گذاری شد، سپس با افزایش جمعیت و مشکل مسکن، وارد کشور ما شد. در سال‌های اخیر به طور روزافزونی بر تعداد افراد آپارتمان‌نشین اضافه می‌شود، در حالی که متأسفانه آموزش‌های لازم برای زندگی جمعی به مردم داده نشده است. فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی مردم است و در تمامی افکار، معیارها، ارزشها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی منعکس می‌شود و افراد با توجه به باورداشتها و فرهنگ خود با امور پیرامون خویش برخورد می‌کنند.

بررسی پژوهش‌های به عمل آمده حاکی از آن است که اغلب آپارتمان‌نشینان، با شرایط سکونت در آپارتمان سازگاری لازم را نیافته و اجبار در پذیرش این نوع سکونت مغایر با فرهنگ و نگرش جامعه‌ی سنتی و ناآشنا به قوانین و فرهنگ آپارتمان‌نشینی محیط‌های آپارتمانی را به فضایی تنش‌زا تبدیل کرده‌است. در واقع، شیوه‌ی نوظهور زندگی آپارتمانی، سبب از بین رفتن خانه‌های ویلایی شده و آپارتمان‌نشینی چهره‌ی شهرها را کاملاً تغییر داده است. به علاوه آهنگ رشد سریع آپارتمان‌نشینی در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته‌ی غربی، تضادهای زیادی را به دنبال داشته است؛ به طوری که آپارتمان‌نشینی در این کشورها به جز یک ظاهر صنعتی (که نشانه‌ی رشد و انتقال صنعتی بوده) و اقتباس فرهنگی، فاقد بنیادهای کامل یک آپارتمان‌نشینی هستند و از این رو آپارتمان‌ها و به تبع آن شهرهای جهان سوم مسئله‌دارترین شهرها و آپارتمانهای جهان هستند. به خصوص اینکه، در ساخت واحدهای مسکونی به ویژه پروژه‌های انبوه‌سازی، شیوه‌ی زندگی، رفتارهای سکونتی و فرهنگ بهره‌برداران و نگرش‌های آنها در نظر گرفته نمی‌شود. به عبارتی رضایت از سکونت در این واحدها فقط به دلیل مشکلات مالی و آرزوی داشتن یک واحد مسکونی است (عربی بالغی، ۱۳۸۲)؛ و به دلیل نبود برخورد مناسب با پدیده‌ی بلند مرتبه‌سازی و آپارتمان‌نشینی در ایران و در نظر نگرفتن علایق و نگرش‌های ساکنین آنها، همواره مشکلات و نارسایی‌هایی در نحوه‌ی استفاده از این بناها وجود داشته است (گلابچی، ۱۳۸۰). به علاوه، از آنجا که آپارتمان محل تجمع افراد با فرهنگهای مختلف است و روابط اجتماعی در این مکان‌ها به نزدیکترین سطح خود می‌رسد، بررسی نگرش‌ها و نظرات ساکنان این محیط‌ها می‌تواند برای بهبود کیفیت این پدیده‌ی روبه‌رشد مهم باشد (عزیزی و محمد نژاد، ۱۳۸۶).

از سویی نیز تراکم بیش از حد جمعیت در مناطق شهری و پیچیدگی مضاعف زندگی شهری، مدیریت این مناطق را دشوار کرده است. مشکلاتی نظیر مشکلات اجتماعی ناشی از ضعف فرهنگ آپارتمان‌نشینی (به صورت اعتراض‌ها و شکایات گوناگون در کلانتری‌ها و دادسراها)، و ... همواره ذهن مدیران و دست‌اندرکاران مسائل شهری را به خود مشغول کرده است. اهمیت بررسی نگرش‌های افراد و عوامل مؤثر در آن در دو سطح فردی و میان فردی حائز اهمیت است، به نحوی که در سطح فردی نگرشها، ادراک و تفکر و دیگر نگرشها و رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بنابراین نگرش‌ها تأثیر زیادی در ساختار روانشناختی فرد دارد. زمانی که نگرش‌های فردی به افکار عمومی تبدیل می‌شوند، این نگرش‌ها جو فرهنگی، سیاسی، اجتماعی یک جامعه را تعیین میکنند و مرتب در زندگی شخصی مردم در جامعه تأثیر می‌گذارند. در سطح میان فردی نیز، مرتب اطلاعات درباره‌ی نگرش‌ها دریافت و انتقال داده می‌شود. از این رو، با شناخت نگرش افراد، دنیا مکانی بسیار قابل پیشبینی خواهد بود و از سویی نیز رفتار انسان‌ها ممکن است به وسیله‌ی این آگاهی شکل پیدا کند و در آن صورت می‌توان سعی در کنترل رفتار دیگران به وسیله‌ی تغییر نگرش‌هایشان به عمل آورد (بهنر و وانک، ۱۳۸۴).

بنابراین باید درصدد شناخت و حل مشکلات فرهنگی- اجتماعی زندگی آپارتمانی بود.

مبانی نظری

نظریه‌های جبرگرایی^۱ به عنوان مهمترین و با نفوذترین نظریات درباره شهرنشینی و مسائل آن، در تبیین روابط، فرایندها و پدیده‌های اجتماعی، فضا یا محیط^۲ (مکان) را تعیین‌کننده می‌دانند و دنیای اجتماعی را بر حسب مقولات و تمایز فضایی آنها تحلیل می‌کنند.

تلاش این آرا، علت‌یابی مکانی وجوه روانی و فرهنگی- اجتماعی است. این افراد مدعی هستند که شهرنشینی نابسامانی‌های شخصیتی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. بر اساس این دیدگاه «آپارتمان» به عنوان عنصر شهری، به مانند شهر، عامل اصلی مسائل و مشکلات بوجود آمده در روابط و روند زندگی روزمره افراد است. راجر بارکر را میتوان در این دسته قرار داد. وی معتقد است که پیوند منحصر به فردی بین زمینه‌های رفتاری خاص و تعاملات معین وجود دارد. زمانی که مردم به محیطی وارد می‌شوند، محیط معانی را به آنها منتقل میکنند و آنها نیز بر آن اساس رفتار میکنند (راپوپورت، ۱۳۸۴). بارکر عقیده دارد بین ابعاد فیزیکی و رفتاری قرارگاه‌های فیزیکی^۳ تناسب و رابطه خاص وجود دارد (لنگ، ۱۳۸۳) جورج زیمل نیز معتقد است که مشکل انسان مدرن تضاد جدید او با محصولات فرهنگی است که موجب سست شدن پیوندهای عاطفی فرد با گروه‌های نخستین (خانواده، گروه همالان، همسایگان) می‌شود (فیالکوف، ۱۳۸۳).

در اندیشه زیمل، «موقعیت تعریف‌شده فضایی اشیای مادی بی‌تحرک»، محور اجتماعی مهمی برای تعاملات انسانی است. این موقعیت مشخص و تعریف‌شده می‌تواند یک ساختمان، یک روستا و یا یک شهر خاص باشد. نقاط ثابت در جهان فیزیکی، محوری عمده برای روابط اجتماعی عاملان بوده و در واقع زمینه‌ای اجتماعی برای تمام عاملان است. به تعبیر زیمل، نقاط ثابت از محتوایی نمادین نیز برخوردار است و می‌توانند همانند دین، نیروی خاصی اعمال کنند. حتی با اسامی مکانها و واحدهای جغرافیایی خاص، تصورات و برداشتهایی عجین است که بیانگر تشخیص شیوه زندگی مردمانی است که در آنجا زندگی میکنند. زیمل مثال کلیسا و شهر را میزند که محورهایی برای روابط اجتماعی هستند که در فضای فیزیکی خاصی استقرار یافته‌اند. ارزشها و معانی نهفته در این دو مکان، حس تعلق به عاملانی میبخشد که در این مکان‌ها به تعامل با یکدیگر میپردازند (افروغ، ۱۳۷۷).

آسیب شناسی زندگی آپارتمان نشینی

امروزه اثر مدرنیته شدن، به طور مستقیم در دگرگونی معماری ساختمان‌ها، به صورت ساخت برج‌ها و آپارتمان‌های سر به فلک کشیده قابل مشاهده است. تغییر معماری سنتی به برج سازی و آپارتمان نشینی را می‌توان چنین بررسی کرد؛ در بیشتر خانه‌های قدیمی، حریم خصوصی افراد به دالانی، هدایت می‌شد که با چند شکست به حیاط خانه می‌رسید. «سطح کوچه» نیز با حیاط، اختلاف دارد. بنابراین، در اکف دالان، پله وجود داشت. در این صورت، شخص وارد شونده از هشتی، هرگز نمی‌توانست داخل حیاط خانه و افراد درون آن را ببیند و مجبور بود از یک راهروی باریک عبور کند. اما در خانه‌های امروزی، به ویژه واحدهای آپارتمانی، به محض ورود از در خانه، محل زندگی افراد بر همگان آشکار می‌شود و هیچ چیزی برای محدود کردن دید وارد شونده نامحرم یا بیگانه در آن وجود ندارد. وجود ساختار اوپن گونه، در این ساختمان‌ها به دلیل کمبود فضا، هر چند کار بانوی خانه «را» آسان تره کرده، اما خانم خانه را در برابر و معرض دید مهمان‌ها قرار می‌دهد، که به باور برخی اسباب گناه» و «پرده برداری از حریم خصوصی افراد است و به تبع آن، چالش‌هایی فرهنگی را برای خانواده‌ها به وجود می‌آورد (حیدری، ۱۳۹۴). نوع معماری و محدودیت فضا - مکانی واحد آپارتمانی، زمینه کاهش رفت و آمدهای فامیلی و غیره را در خانواده به وجود می‌آورد که این برای خانواده‌هایی که به احکام شرعی و دینی مفید هستند، چالش برانگیز خواهد بود (حیدری، ۱۳۹۴).

1 Determinist theory

2 Environmen

3 physical setting

آسیب روانی

وجوه روانی سلامت در مسکن شامل تمام تأثیرات روحی و روانی است که محیط کالبدی مسکن بر ساکنان خود می‌گذارد. خانه‌های با کیفیت پایین موجب کاهش سلامتی روحی ساکنان می‌شود (Shaw, ۲۰۰۴)، در مقابل بهبود کیفی محیط خانه تأثیر مثبت بر ارتقای سلامت روحی و روانی آنها دارد (Petticrew & Thomson, ۲۰۰۵). کیفیت روانی سلامت در مسکن در پی ایجاد عواملی است که با حصول آنها، امکان زیستن در خانه‌ای آرام، امن و صمیمی برای ساکنان آن فراهم شده و آنها را از هر گونه آسیب‌های روحی و روانی مصون میدارد. چنین مکانی در کنار سازگاری با الگوهای رفتاری، دارای ویژگیهایی است که به شخص و فضای شخصی او احترام گذاشته و همواره تمامیت آن را حفظ می‌کند. سازگاری با الگوهای رفتاری ساکنان، "مکانی تطبیق‌پذیر و انعطاف‌پذیر" (Lang, ۲۰۰۲)، شکل می‌دهد که در آن امکان ایجاد تغییرات متناسب با شرایط روحی و روانی ممکن می‌گردد و در نهایت منجر به وابستگی و دلبستگی به خانه شده و آن را قابل کنترل برای شخص میکند (Nejad Key & Hashempour, ۲۰۱۲).

تعلق مکانی (به خانه) در واقع رابطه همپیوندی است که میان انسان و محیط برقرار شده و بر اثر این رابطه، محیط به یک "لنگرگاه" روانی تبدیل میشود. این موضوع در دیدگاه باشالر که خانه را همچون مکانی آشنا و تکیه‌گاهی برای ساکنان میداند، نیز قابل مشاهده است (Shulz, ۲۰۱۰).

آسیب‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن:

در یک نظام اجتماعی هنگامی که رفتاری به گونه‌ای چشمگیر با هنجار همگانی اختلال پیدا میکند و مورد کیفر قرار می‌گیرد آسیب اجتماعی نامیده میشود (Tak, ۲۰۰۱).

آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیررسمی جامعه محل فعالیت کنشگران قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد. (Abdollahi, ۲۰۰۶)

دیدگاه‌ها و نظرگاه‌هایی که رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی را در فضاها به طور اعم و فضاها شهری به طور اخص تبیین میکنند، متناسب با فلسفه این دیدگاه‌ها از یک سو و ماهیت چندوجهی رفتارهای انسانی و آسیب‌های اجتماعی از سوی دیگر، برخی به وجود رابطه و تأثیر تعیین‌کننده عوامل درونی-ذهنی، روانشناختی، اجتماعی-اقتصادی فرهنگی (دیدگاه‌های نفاضایی و غیر فضایی) تأکید دارند و برخی دیگر نقش عوامل محیط بیرونی یا مؤلفه‌های فضایی، کالبدی و مکانی (دیدگاه فضایی) را در بسترسازی برای الگوهای رفتاری، رفتارهای انسانی و شکلدهی به آسیب‌های اجتماعی تعیین کننده می‌دانند. از همین روست که آسیب‌های اجتماعی به صورت مستقل یا چند سطحی قابل تحلیل و تبیین‌اند (Derakhshan & akbar, ۲۰۱۴)

در این بین توجه به مکان، به عنوان عامل بیواسطه در وقوع آسیب‌های اجتماعی، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می‌سازد تا راهکارهای عملی تری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ارائه شود (Zangi A, Abadi, ۲۰۱۵).

مدل سلامت اجتماعی که نخستین بار به وسیله ریف^۴ مطرح گردید، مفهوم سلامت اجتماعی را شامل ابعاد مثبت ذهن در ایجاد روابط اجتماعی مناسب با دیگر هموعان خود می‌داند. این ابعاد عبارت است از مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی همچون پذیرش خود، رشد شخصی، روابط مثبت با دیگران، تسلط بر محیط، هدفمند بودن در زندگی و استقلال است (al et, ۲۰۱۰, Samie).

از نظر کیز، عملکرد خوب در زندگی، چیزی بیش از سلامت جسمی و روانی است و تکالیف و چالش‌های اجتماعی را نیز در برمیگیرد (Keyes, ۱۹۹۸)، وجه اجتماعی خانه در پی ایجاد محیطی است که ضمن هماهنگی با محیط کالبدی، شرایط مطلوب

⁴ Ryff

برای ارتقای روابط و تعاملات اجتماعی با دیگران را نیز فراهم آورد. نیازی که انگیزه لازم برای استفاده از فرصت‌ها به منظور برقراری روابط بین انسانها را به وجود می‌آورد و در نهایت به رشد فردی و اجتماعی وی می‌انجامد. فضای سکونتی از جمله فضاهایی است که با به‌کارگیری الگوهای تعامل اجتماعی، نقش مهمی در بهبود محیط اجتماعی جامعه دارد. اریکسون کاربرد اجتماعی سکونت را به‌عنوان ساختاری ایزاری می‌داند که امکان برخورد و مشارکت در انجام فعالیت‌ها را برای مردم فراهم می‌آورد. از نظر او فضای سکونتی هم مانع برخوردهای اجتماعی و فعالیت‌های جمعی بوده و هم تقویت‌کننده آن است (Eriksson, 1994) در همین ارتباط کریستوفر الکساندر^۵ معتقد است که ملاقات‌های گاه به‌گاه و غیررسمی افراد، زمینه‌ساز توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم است و این موضوع برای حیات اجتماعی بشر امروزی، امری ضروری است (Lang, 2002) بر همین اساس فضای مسکونی می‌بایست قادر به ارائه فرصت‌های متنوع بالقوه و بالفعل به ساکنانش باشد تا از این طریق امکان مـراودات اجتماعی را افزایش دهد. این موضوع در نهایت منجر به ارتقای احساس تعلق و همبستگی جمعی میان ساکنان مجموعه‌های مسکونی و در نتیجه شکلگیری هویت اجتماعی در آنها میشود (Bardo, 1984) بنابراین تأمین سلامت اجتماعی در حوزه مسکن، علاوه بر ارتقای سطح روابط اجتماعی میان افراد ساکن در مجموعه‌های زیستی، زمینه‌ساز افزایش حس تعلق خاطر میان آنها و در نتیجه ارتقای هویت فردی و اجتماعی در آنها میگردد. امنیت: مسئله امنیت در مجموعه‌های مسکونی از جمله عوامل انسانی و محیطی است که با تأثیر مستقیم بر برنامه‌ریزی و طراحی این مجموعه‌ها، کیفیت زندگی انسان را ارتقاء میبخشد (پوردیهیمی، ۱۳۹۱).

در فضاهای شهری احساس امنیت بدین معناست که شهروندان بتوانند آزادانه جابه‌جا شوند، با همسفریان خود ارتباط برقرار کنند و به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند، بدون آنکه تهدید شوند یا با خشونت و آزار و اذیت جسمی و روحی و روانی مواجه شوند (جمالی و شایگان، ۱۳۹۰)؛ بنابراین احساس امنیت در یک جامعه به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا عدم وجود جرم و شرایط جرمخیز در آن جامعه بازمی‌گردد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷).

فضاهای نامناسب شهری، فضاهای بیدفاع، محال ناامن، همه و همه از عوامل تهدیدکننده سلامت روان انسانها هستند. در مباحث امنیت این نکته را نیز باید یادآور شد که خوانایی، عدم گمشدگی و امکان آدرسدهی و مسیریابی مناسب، احساس امنیت و آرامش را در فرد ایجاد می‌نماید.

مطالعات صورت گرفته بر روی تعدادی از زنان، کودکان و سالخوردگان نشان‌دهنده همبستگی قطعی و زیاد بین سبک زندگی بی‌تحرک و خطرات واقعی و تصور شده امنیت شخصی است (ادوارد و توروس، ۱۳۸۷).

تحقیقی که در محله‌های شیکاگو صورت گرفت، نشان داد به علت میزان بالای خشونت و عدم امنیت فیزیکی مردم مجبورند در خانه‌های خود بمانند و در نتیجه فعالیت‌های فیزیکی محدودی دارند. (Higgins & Kriger, 2002) بنابراین طراحان باید ایجاد امنیت را یکی از اهداف طراحی قرار دهند. میتوان فضاها را به نحوی طراحی کرد که فرصتی برای عمل خالف وجود نداشته باشد و اعمال کنترل از طرف ساکنان یک محله بر کلیه فعالیت‌های محل امکانپذیر گردد (طالبی و کالنتری، ۱۳۷۵).

شلوغی و ازدحام: ایوانس، سیگرت و هاریس با بررسی سلامت روانی کودکان، این مطلب را تأیید میکنند. آنها متوجه شدند که رابطه مثبت بین ازدحام جمعیت در خانه و علائم روانی وجود دارد (Evans, 2001) همچنین گفته میشود این شرایط بر سلامت روان کودکان نیز اثر دارد به طوری که موجب اختلال خواب، افزایش تنش و پرخاشگری، کاهش سطح تعاملات کودکان و در نهایت موجب افت تحصیلی آنها میشود (2002, page) برای مثال در پژوهشی که بر روی کودکان کالس دوم تا پنجم ساکن در آپارتمان‌های نزدیک بزرگراه انجام گرفت نشان داده شد که کودکان ساکن در آپارتمان‌های پر سروصدا، در تمیز دادن کلمات مشابه از یکدیگر بسیار مشکل داشتند (سارافینو، ۱۳۸۷).

⁵ Christopher Alexander

حریم و قلمرو: تعریف روشن قلمرو و حریم میتواند به افزایش شناسه، خلوت و امنیت کمک کرده و تقابلهای اجتماعی و مشکلات همسایگی را تقلیل دهد (Sarkissian & Marcus, ۱۹۸۸).

زمانی که انسان در محیط زندگی خود احساس کند افراد بیش از اندازه به او نزدیک هستند و بهزور وارد حریم شخصی او میشوند دچار استرس و نگرانی شده و آرامش خاطر نخواهد داشت. خلوت و تعامل اجتماعی: در طراحی مسکن، خلوت و تعامل اجتماعی دو مفهوم متقابل هستند، تأکید بیش از اندازه بر خلوت میتواند موجب انزوا و تعامل خارج از کنترل می تواند موجب از دست رفتن خلوت و زندگی خصوصی شود (عینی فر، ۱۳۷۹).

استفاده از فضاهای نیمه باز مانند ایوانها که امکان دید به بیرون را فراهم می کنند، علاوه بر حفظ خلوت افراد، حمایت اجتماعی بیشتر و اختلالات روانی پایینتر را به همراه دارد (Brown et al, ۲۰۰۹).

از عمده ترین مسائل برهم زنده خلوت در محیطهای مسکونی میتوان به استفاده از دیوارهای مشترک بین واحدهای مسکونی که به راحتی صداها را انتقال میدهد و اشراف به فضاهای خصوصی اشاره نمود.

روابط همسایگی: شواهد نشان میدهد که وجود فضاهایی برای انجام فعالیتهای جمعی میتواند در بهبود روابط همسایگی تأثیرگذار باشد. به طور مثال مشارکت در باغ سازی های جمعی میتواند موجب ارتباطات بیشتر همسایگان با یکدیگر شود (Teig et al, ۲۰۰۹).

اگر سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد به یکدیگر نزدیکتر باشد، روابط همسایگی و تعاملات بین آنها شدت بیشتری می یابد.

بحث، بررسی و نتیجه گیری

۱- امروزه زندگی خانوادگی در شهرهای بزرگ به خصوص در زندگی آپارتمانشینی، با تحولات بسیاری روبروست. برخی از این تحولات را میتوان عبارت از فعالیتهای نومکانی، فعالیت زنان در خارج از خانه، سپردن کودکان به مهدکودکها، کاهش ارتباط افراد فامیل و اقوام با یکدیگر به علت محدودیت فضا- مکان در زندگی آپارتمان و محیطهای کوچک زندگی، عدم قبول نگهداری افراد مسن و سالخورده در داخل خانهها و احياناً سپردن آنها به خانه سالمندان، تمایل به داشتن فرزند کمتر و دانست. خانواده گسترده، تدریجاً جذابیت خود را از دست داده، و «شرایط زندگی جدید»، تمایل به نوعی دیگر از خانواده یعنی «خانواده هسته ای» یا «خانواده زن و شوهری» را افزایش داده است (توسلی، ۱۳۹۳: ۳۷ و ۳۰۵، مقتدایی، ۱۳۹۳: ۹ و فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳).

۲- با کم شدن تعلقات خانوادگی، تعلق خاطر به دوستان تقویت شده و با داخل شدن مطالبات جنسی و دیگر مطالبات در روابط دوستانه صمیمی، شاید «رابطه دوستی در مقابل نقشهای خانوادگی اعضا» قرار میگیرد. امروزه رفیق و دوستبازی به مثابه کالای لوکسی است که در بیشتر اعضای طبقه متوسط به بالا رواج دارد، چرا که برای افراد بسیار فقیر، رفاقت بنا به ضرورت دارای «جنبه های ایزاری» است. رفاقت مبتنی بر نوعی مساوات طلبی است. از طرفی دیگر معماری آپارتمانها، حریم خانه را در زندگی آپارتمانشینی برای زنان برداشته است. این نوع معماری کارکرد پنهانسازی درون و حریم خانههای آپارتمانی را بسیار کاهش داده است. طراحی آپارتمانها سبب شده که همه افراد حاضر در خانه، اعم از مهمانان و اهالی خانه، دور هم و در یک فضا جمع شوند. این امر حریمهای محرم و نامحرم را برداشته یا کمرنگ کرده و حجب و حیاها میان افراد محرم و نامحرم اعم جنس زن و مرد، و دختر و پسر، مهمانان خویشاوندی و غیرخویشاوندی یا دوستان خانوادگی را از میان برداشته است (ایمانی، ۱۳۹۳، و جوکار، ۱۳۹۵).

۳- محدودیت های فضا- مکانی و رعایت قوانین و مقررات نوشته و نانوشته زندگی آپارتمانشینی برفهنگ همسایه داری، هنجارها، ارزشها و امور مادی و معنوی ساکنین زندگی آپارتمانشینی تأثیرگذار است به نحوی که افکار، احساسات، رفتارها، سبک و شیوه ساکنین آپارتمانشین را در ارتباط با همسایگان آپارتمانشین، شکل میدهد. این فرهنگ ذیل فرهنگ ملی و عمومی جامعه با ویژگیهای خاص آپارتمانشینی است. سابقه زندگی طولانی مدت در خانه های آپارتمانی با محدودیتهای فضایی و مکانی، فرزندان و کودکان را مجبور به رعایت حقوق همسایگان، و سازگاری با «فضای موجود» میکند. این حالت

«خاموشی احساسات کودکان» و تحمیل فشار روانی زیاد بر آنها را در پی دارد (فلاح، ۱۳۹۲). از طرفی محدودیت‌های زندگی آپارتمان‌نشینی، از صفا، صمیمیت، عفت، نجابت، آرامش و اطمینانی که در مجاورنشینی خانه‌های معمولی و سنتی یا همسایگی‌های سنتی موج میزد، کاسته و باعث «رو آوردن افراد به گوشه‌نشینی»، «تجملگرایی» و «بیگانگی با همسایگان» شده است. آپارتمان‌نشینی از روابط عاطفی میان همسایگان کاسته، و معماری آن، امنیت افراد را به خطر انداخته است. برخلاف زندگی سنتی که با ویژگی‌های «بی‌آلایشی»، «سادگی و صمیمیت» خود، مردم را به یکدیگر نزدیک کرده بود، سبک زندگی آپارتمان‌نشینی باعث «مهمانگریزی» گشته است که نتایج آن به صورت «تجملگرایی»، «فخر فروشی و خودنمایی» بوده، سبب میشود افراد، «کمتر به دیدار یکدیگر» بروند و از حال یکدیگر کمتر با خبر باشند (فلاح، ۱۳۹۲).

۴- رفتارهای همسایگان به طور ضمنی و غیرمستقیم، بر «رفتارهای عاطفی و اخلاقی انسان» تأثیر شگرفی می‌گذارند، تا جایی که هر فرد در برابر کنش همسایگان، واکنش متناسب با آن را نشان می‌دهد. این تأثیر و تأثر، در «رفتار»، «گفتار»، «نوع پوشش»، و «اخلاق فردی و اجتماعی» همسایگان، «نمود» می‌یابد (فلاح، ۱۳۹۲).

این «کنش فرهنگی متقابل» می‌تواند «چارچوب اخلاقی افراد یک محل» را به عنوان «یک واحد اجتماعی» نسبتاً وسیع، تحت تأثیر قرار دهد. «نوع اندیشه و هنجارهای انتقال یافته» در بین همسایگان، بر تکتک افراد خانواده، به ویژه فرزندان اثر می‌گذارد. همسایه‌ها در پیدایش برخی «مشکلات اخلاقی و رفتاری و نابسامانی‌های اجتماعی» دخالت دارند. «رفتار و اخلاق همسایگان» بر «شکلگیری شخصیت افراد خانواده مجاور»، نقش به‌سزایی دارد. این اثرگذاری از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که همنشینی و رفت‌وآمدها در «یک مجتمع مسکونی»، زمینه این تأثیر و تأثر را بیشتر فراهم می‌کند (فلاح، ۱۳۹۲).

۵- در حالی که در گذشته در معماری بناهای ایرانی، گنبد، نمادی از آسمان و ملکوت بود، و خانه، بر اساس صورتی از معماری مساجد، اماکن مذهبی و زیارتگاهی، بنا میشد (جوکار، ۱۳۹۵)، با نگاهی به زندگی‌های آپارتمان‌نشینی، ملاحظه میشود که علاوه بر تغییر و تحول معماری آپارتمانها، زندگی اکثر آپارتمان‌نشینان به خصوص در نواحی مرفه‌نشین شهر در حال خالی شدن از روح و ارزشهای دینی و فرهنگی شده است. این تحقیق و نتایج تحقیقات مختلف نشان میدهد که اکثر آپارتمان‌نشینان به رعایت ارزشهای دینی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، حضور در مسجد محل برای اقامه نماز جماعت و شرکت در مراسم مذهبی و ترحیم درگذشتگان خویشاوند و غیرخویشاوندی، رعایت حلال و حرام، و رعایت محرم و نامحرم در روابط خویشاوندی و غیرخویشاوندی، تمایل کمی از خود نشان میدهند. به علاوه با افزایش سطح تحصیلات، مالکیت و کیفیت موقعیت واحدهای آپارتمانها بخصوص در مناطق شمالی و مرفه‌نشین، باعث شده است که زندگی آپارتمان‌نشینی، سبب فردی شدن خانه و گسستن اعضای خانواده از یکدیگر گردد. کودکان در این خانه‌ها به صورت سکولار جامعه‌پذیر شده و روابط اعضای خانواده آپارتمان‌نشین در شبکه‌های اجتماعی بخصوص با جنس مخالف چه به صورت داخل خویشاوندی و چه به صورت روابط خارج از خویشاوندی، افزایش می‌یابد و به مرور از روحیه دینی و مذهبی در این نوع خانه‌ها، کاسته میگردد (محمدی، ۱۳۹۲).

۶- مشارکت میتواند شامل شکلی از نمایندگی باشد که در آن شهروندان توسط یک وکیل نمایندگی شوند. این نوع برنامه‌ریزی و کالتی، مردم را در گفتمان وارد می‌کند (دیویدف، ۱۹۹۶) انتظار می‌رود نقش مشارکت کنشگران اجتماعی در فعالیتهای اجتماعی و تصمیم‌گیری، در تربیت شهروندان خوب نقش آموزشی داشته‌باشد. در واقعیت امر، مشارکت کم و بی‌علاقگی جز اینکه تغییرات مصیبت‌باری چون؛ ایجاد مانع و چالش در انعطاف‌پذیری شهروندان ایجاد میکند، نتیجه دیگری ندارد. مشارکت جمعی آپارتمان‌نشینان کارکردی آموزشی دارد و شهروندان با یادگیری پیوند میان منافع عمومی و خصوصی (و فردی)، منفعت خودشان را از «تقاضای همیشگی» که باید با قانون تجویزی خودشان آزاد شود، تشخیص میدهند. منفعت فردی بر فرد تأکید دارد، در حالی که مشارکت، افقهای دورتری را دربرمیگیرد (باندز، ۱۳۹۴).

۷- اغلب مشاهده میگردد که بسیاری از حقوق ساکنین آپارتمان‌نشین شامل؛ حق همسایگی، رعایت نظم و آرامش در محیطهای انبوه‌نشینی، حقوق مالکیت انضمامی و مشاعی منازل مسکونی، نادیده گرفته شده و موقعیتهای ایستادن و محل پاتوقها و ایجاد مزاحمت برای حقوق اهالی ساکن و محله، منطقه و ...، باعث مشکلات و موانعی میگردد. حقوق شهروندی در میان ساکنین، نه آموزش داده میشود، و نه نهادینه و نه درونی شده است. لذا بسیار ملاحظه میگردد که حقوق شهروندی در

میان ساکنین نادیده گرفته شده و رعایت نمیگردد که خود مشکلات عدیده‌ای را به همراه خود به ارمغان می‌آورد (محمدی، ۱۳۹۲). گسترش

توسعه برخی مسائل و معضلات آپارتماننشینی یا اجاره‌نشینی در مجتمع‌های بزرگ مسکونی در کنار زندگی افراد مجرد در کنار خانواده‌های متأهل، اسباب‌کشی‌های پر سروصدا و بدون ملاحظه رعایت حال ساکنین، عدم رعایت حق پارکینگ همسایگان و گاهی تصرف آن، استفاده غیرمجاز از اموال و امکانات دیگران همچون سرقت لوازم کولر همسایگان، مسئله بهره‌برداری از بالکن‌های مشترک و دیگر مسائل، لزوم توجه به معضلات آپارتماننشینی و رعایت حقوق شهروندی و خصوصی ساکنین، رعایت اصول اخلاقی و قوانین حاکم بر زندگی در مجتمع‌های مسکونی را پیش از پیش آشکار مینماید (کاشانی، ۱۳۹۳).

۸- خانه‌های مجتمع‌نشین از حالت خانه به معنای منزل و محیط آرام‌بخش و سنتی بیرون آمده و تبدیل به محیط‌هایی همچون خوابگاه شده‌اند که فقط در هنگام خواب صاحبان یا مستأجران آن‌ها، در آن حضور می‌یابند (محمدی، ۱۳۹۲). توسعه سریع و برنامه‌ریزی‌نشده شهرنشینی، موجب افزایش نسبت مسکن ناسالم و تراکم بیش از حد نفرات در واحد مسکن و بالا رفتن ناهنجاریها، برخوردها و کنش‌های اجتماعی میشود. یکی از صور حاد مسکن سالم، کپرنشینی و حلبی‌آبادها و حاشیه‌نشینی است که ضمناً مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ را تشکیل میدهد. در عین حال ساکنین مناطق حاشیه شهرها، به اضافه برخی روستاهایی که در شهرها ادغام شده‌اند، اساساً از مهاجرین روستایی تشکیل میشوند (توسلی، ۱۳۹۳). این مسئله به ویژه بین کسانی که در نقاطی به طور موقت و ناشناخته زندگی میکنند، افزایش چشمگیر پیدا میکند (باصری و دیگران، ۱۳۹۰).

منابع

توسلی، غلامعباس (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی شهری، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
محمدی، امیر (۱۳۹۴)، تعارضات آپارتمان‌نشینی با سبک زندگی اسلامی (آسیب‌شناسی معماری مدرن)، تهران، پایگاه تحلیلی برهان ۹۳/۱۱/۱۲.

فلاح، محمدجواد (۱۳۹۲)، اخلاق همسایه‌داری و آپارتماننشینی، تهران، انتشارات کتاب نشر، چاپ اول.
پوردیهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، شهر مسکن و مجموعه‌ها. تهران: آرمانشهر.
ادوارد، پگی؛ توروس، آگیس. (۱۳۸۷). به سوی شهرهای سالم: نقش دولتهای محلی در ترویج فعالیت بدنی و زندگی فعال در محیط‌های شهری. (مهدی دهقان منشادی، مترجم). تهران: انتشارات شهیدی. (نشر اثر اصلی، ۲۰۰۶).
جمالی، هاجر؛ شایگان، فریبا. (۱۳۹۰) احساس امنیت (نقش تاکسی بی سیم بانوان بر احساس امنیت زنان تهرانی). فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۱، ۹۵-۱۱۴.
عربی بالغی، نادر. "الزامات بلند مرتبه‌سازی به عنوان شکلی از انبوه‌سازی مسکن"، انبوه‌سازان مسکن، سال ۳، ش ۹ و ۱۰ (۱۳۸۲).

بهنر، جرد و میکائیل وانک ۱۳۸۴. نگرشها و تغییر آنها، ترجمه‌ی علی بهداد، تهران، جنگل.
گلابچی، محمود. "معیارهایی برای طراحی و ساخت بناهای بلند"، هنرهای زیبا، ش ۹، (تابستان ۱۳۸۰).
عزیزی، محمد مهدی و صارم ملک محمد نژاد. "بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع‌های مسکونی (متعارف و بلند مرتبه) مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی نور (سنول) و اسکان تهران"، هنرهای زیبا، ش ۳۲، ۱۳۸۶.
راپوپورت، آموس. ۱۳۸۴ معنی محیط ساخته شده. ترجمه: فرح حبیب‌چاپ اول. نشر پردازش و برنامه ریزی شهری.
افروغ، عماد. ۱۳۷۷ فضا و نابرابری اجتماعی. تهران: نشر دانشگاه تربیت مدرس.

Zangi Abadi, A., Parhiz, F., Khayam Bashi, E (2015). Temporal-Locative Analysis of Social Pathos Related to Drugs (Case Study: District 12 of Tehran City), Strategic Researches of Security and Social Order, 4(9), 95-116. (in Persian).

Tak, T (2001). City Center Security; Coventry and Nottingham Experience, Translated by: Ali Arab Dana, Organization of the Country Municipalities, 3 (34), Tehran.

- Abdollahi, M (2006). Crime Prevention through Urban Land Use Planning (Case Study: Theft Crime in Zanjan City), MSc Thesis, Supervisor: Mohsen Kalantari, Department of Geography, Faculty of Human Sciences, Zanjan University, Zanjan. (in Persian)
- Teig, E., Amulya, J., Bardwell, L., Buchenau, M., Marshall, J.A., & Litt, J.S. (2009). Collective Efficacy in Denver, Colorado: strengthening Neighborhoods and Health through Community Gardens. *Health & Place*, 15 (4), 1115-1122
- Brown, S. C., Mason, C. A., Lombard, J. L., Martinez, F. Plater - Zyberk, E., Spokane, A. R., & Szapocznik, J. (2009). The Relationship of Built Environment to Perceived Social Support and Psychological Distress in Hispanic Elder Role of Eyes on the street.
- Lang, J (2002) theory architectural Creating. nvironmental in sciences, behavioral of role the desi university Tehran, Eynifar: by Translated.

